

وسایل ارتباط جمعی در اشاعه ارزش‌ها و افزایش تعداد وابستگان یک ارزش نقش دارند و هرگاه سلطه حکومت‌ها بر وسایل ارتباط جمعی برداشته و محتوای وسایل ارتباط جمعی از سوی گروه‌ها و افراد تنظیم می‌شود. ارزش‌های تبلیغ شده از سوی حکومت سلطه‌گر تبدیل به ارزش‌های نسبتاً متنوعی می‌شود که گروه‌ها در تلاش اشاعه آن هستند.

در میان وسایل ارتباط جمعی، مطبوعات، بویژه روزنامه‌ها به علت ماندنی بودنشان از یکسو و سادگی تکنولوژی و امکانات مادی انتشار در مقابل رادیو و تلویزیون، در مقاطع پس از حذف سلطه حکومت‌ها بر مطبوعات بیشتر مورد استفاده گروه‌ها و سازمانها قرار می‌گیرند. در واقع گروه‌های اجتماعی و سیاسی گوناگون از روزنامه‌ها برای بیان عقاید، نظرات و گرایش‌های خود استفاده کرده و به عنوان وابستگان به ارزش به تبلیغ ارزشهای خود می‌پردازند. به این ترتیب شکل و محتوای چنین روزنامه‌هایی ویژگی انقلابی دارد. یعنی نه مشابه روزنامه‌های استبدادی، بطور مستقیم و غیر مستقیم در تلاش تبلیغ حکومت مستبد و سلطه‌گر سانسور است و نه مشابه روزنامه‌های خبری، بیشتر حالت یک سازمان حرفه‌ای فروش خبر را دارد. بلکه در تلاش تبلیغ ارزش‌های مربوط به ایدئولوژی خاص برای حل مسائل است.

برای شناخت ارزش‌های تبلیغ شده از سوی این روزنامه‌ها ابتدا بررسی وضعیت روزنامه‌های مذکور ضروری است:

سه شنبه ۲۶ دی ۱۳۵۷، صفحه اول اطلاعات (یکی از دو روزنامه پرتیراژ عصر) با

درشت‌ترین تیرت تاریخ انتشار روزنامه در ایران چاپ شد. تیرتی حاوی دو کلمه «شاه رفت» که به ارتفاع ۱۳ سانتیمتر تمامی عرض ده‌ستون روزنامه را اشغال کرده بود.

ساعت ۱۴ آن روز، رادیو ایران خیر عزیمت «شاهنشاه» را با احترامی نسبی پخش کرده بود، اما تیرت اطلاعات فاقد هر نوع لقب معمول برای شاه بود و از سوی دیگر از صیغه سوم شخص مفرد استفاده شده بود و در واقع آن روز روزنامه‌ها وارد عصر جدیدی از تاریخ تحول مطبوعات در ایران شدند.

باید دانست هرگاه قدرت حکومت به هر دلیلی کاهش یافته، تنوع انتشار و تولد روزنامه‌های جدید و وسعت پیدا کرده است. سال ۱۳۵۷ نیز بدنبال شکل‌گیری انقلاب در ایران چنین پدیده‌ای آغاز شد. به طوری که تا قبل از فرار شاه از ایران - یعنی آغاز دوره مورد بررسی ما - ۱۰۵ روزنامه جدید شروع به انتشار نموده بود که اکثر آنها دوره جدید فعالیت روزنامه‌هایی بود که در طول حکومت شاه توقیف یا متوقف شده بودند.

نکته قابل توجه در انقلاب اسلامی آن است که سواى عوامل متعدد اجتماعی و سیاسی زمینه‌ساز انقلاب، انگیزه ظاهری آغاز تظاهرات مردمی و درگیری توده‌های مردم با نیروهای انتظامی رژیم نیز ناشی از مقاله‌ای بود که روز ۱۷ دی ۱۳۵۶ در روزنامه اطلاعات منتشر شد. این مقاله ۶۹۶ کلمه‌ای با این پاراگراف آغاز شده بود که این روزها بمناسبت ماه محرم و عاشورای حسینی بار دیگر اذهان متوجه استعمار سیاه و سرخ و یا بعبارت دیگر اتحاد استعمار کهن و نو شده است. نویسنده مقاله که در برخی تحلیل‌ها منسوب به داریوش همایون، وزیر اطلاعات و جهانگردی دولت آموزگار بود صفات توهین آمیزی را به امام خمینی (ره) نسبت داده بود که سبب نخستین راه پیمایی‌های اعتراض آمیز و درگیری مردم با رژیم شد.^۱ (این مقاله یکبار دیگر ۶۹۶ روز پس از پیروزی انقلاب در صفحه ۳ شماره ۲۴ روزنامه نگهبان انقلاب اسلامی (نشریه کمیته انقلاب اسلامی با عنوان اعلامیه ننگین ساواک علیه امام در روزنامه اطلاعات مورخ ۱۷ دیماه ۵۶ نقل شد. روزنامه مذکور پس از نقل این مقاله، در یک تحلیل ۸۵ کلمه‌ای نوشت: «طبیعی است اینچنین ابطال نه برای اولین دفعه است که در مطبوعات درج می‌شود و نه آخرین باری است که مایه تسلی و دلداری بیچارگان و زبونان قرار می‌گیرد. اهانت به روحانیت و پاسداران حریم اسلام همیشه توسط مخالفین پیگیری شده است و پس از انقلاب هم این شیوه در برخی نوشتجات ادامه یافته اما با تاکتیکهای و روش‌های دیگری پیگیری شده است. این بار دشمن اسلام و ضد انقلاب نمی‌تواند خمینی را مستقیماً مورد عتاب و خطاب قرار دهد از این رو یارانش را هدف تیرهای زهرآگین تبلیغاتی قرار می‌دهد تا نوبت خود او هم برسد. بریده باد چنان دستی و شکسته باد چنین قلمی»^۲

۱. اطلاعات، ۱۳۵۷/۱۰/۲۶.

۲. اطلاعات، ۱۳۵۶/۱۰/۱۷.

۳. نگهبان انقلاب اسلامی، ۱۳۵۹/۱۰/۱۸.



دو روز پس از انتشار مقاله توهین آمیز روزنامه اطلاعات، تظاهراتی به عنوان اعتراض در قم شکل گرفت که همان روز خیرگزاری پارس در خبری که مخابره کرد گزارش از آشوب و بلوا برضد منافع و مصالح ملی، شکستن شیشه مغازه‌ها و بانکها و تخریب ساختمان «حزب رستاخیز ملت ایران» در قم و سرانجام آسیب به چند اتومبیل کلانتری یک آن شهرستان را پخش کرد. بر اساس خبر مذکور، هنگامی که مردم قصد ورود به کلانتری را داشتند به سوی تظاهر کنندگان تیراندازی شد و به این ترتیب در اولین تظاهرات انقلاب ۶ نفر شهید و ۹ نفر مجروح شدند.

به دنبال ماجرای قم شهرهای دیگر ایران نیز بویژه در چهلمین روز کشته شدن تظاهر کنندگان قم تظاهرات مشابهی را آغاز کردند و بارهبری امام، انقلاب روز به روز توسعه و وسعت بیشتری یافت. شاه برای مقابله با انقلاب، جمشید آموزگار نخست وزیر وقت را بر کنار و رئیس مجلس سنا، شریف امامی را به نخست وزیر منصوب کرد.

در خلال حکومت شریف امامی، در هفته دوم مهرماه ۱۳۵۷ تعدادی از مطبوعات به عنوان اعتراض به فشارهای دولت و اعمال سانسور دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب کمتر از ده روز ادامه داشت تا سرانجام موافقتنامه‌ای در بعد از ظهر ۲۲ مهرماه ۱۳۵۷ میان دکتور عاملی وزیر اطلاعات و نمایندگان مطبوعات به امضا رسید. در این موافقتنامه، دولت متعهد شده بود که آزادی مطبوعات را برابر قانون اساسی تضمین کند و متعهد شده بود که هیچگونه دخالتی از سوی دستگاه‌ها و

مقامات دولتی در کار مطبوعات صورت نگیرد.

تیرهای روزنامه‌های روز ۲۳ مهر (فردای امضای موافقتنامه) نمایانگر برخورد مطبوعات با دستیابی به آزادی مطبوعات بود.

آیندگان: عصر دخالت دولتها در تعیین خط مشی روزنامه‌ها سپری شد. سرانجام ساعت ۱۹ دیشب اعتصاب مطبوعات با موفقیت پایان یافت.

کیهان: مطبوعات آزادی خود را پس گرفت. پایان یک قرن سانسور.
اطلاعات: اعتصاب به پیروزی کامل رسید.

رستاخیز: اعتصاب نویسندگان و کارکنان روزنامه‌های تهران پایان یافت.

اما چند روز بعد، دولت نظامی از هاری روی کار آمد و در نخستین برخورد با مطبوعات در یک سحرگاه، عده‌ای نظامی به دفتر روزنامه آیندگان یورش برده و ضمن توقیف نسخه‌های چاپ شده روزنامه، همزمان به منازل چند تن از روزنامه نگاران حمله کرده و عده‌ای را بازداشت کردند و به این ترتیب اعتصاب بزرگ مطبوعات آغاز شد و در مجموع تا استعفای از هاری و روی کار آمدن دولت بختیار این اعتصاب ادامه داشت.

همان روز پیروزی نخست مطبوعات وزیر اطلاعات و جهانگردی وقت اعلام کرد که همه نشریات تعطیل شده می‌توانند انتشار یابند.

اوج گیری انقلاب اسلامی و عوامل فوق، سبب شد که یکبار دیگر همان شرایطی که قبلاً نیز در چند مقطع تاریخی در ایران از جمله مشروطیت روی داده بود اتفاق افتد و بی‌کباره روزنامه‌های متعددی در کشور متولد شود. این روزنامه‌ها از سوی احزاب، گروه‌ها، انجمن‌ها و افراد انتشار یافت. برخی از آنها در واقع دوره جدید روزنامه‌هایی بودند که در سالهای گذشته توقیف و ممنوع انتشار شده بودند و ناشران بازمانده آنها دست به انتشار شماره اول دوره جدید می‌زدند و برخی نیز اولین تجربه انتشار روزنامه را می‌آزمودند. بسیاری از این روزنامه‌ها پس از چند شماره به دلایل گوناگون متوقف شدند. تیراژ آنها پایین بود و خارج از شبکه توزیع روزنامه‌های پرتیراژ روی میز برخی روزنامه فروش‌ها تعدادی محدود عرضه می‌شد و شاید به همین دلیل، مراجعی که اکنون نسخ روزنامه‌های آن دوره ایران را نگهداری می‌کنند مجموعه‌هایی ناقص دارند و در واقع بسیاری از این روزنامه‌ها اصولاً در مجموعه‌های رسمی نگهداری نشده است. همین عوامل سبب شد که دستیابی

۱. نگرشی بر نقش مطبوعات وابسته در روند انقلاب اسلامی ایران (بدون ذکر نام نویسنده) ج اول، ص ۷۸.

۲. آیندگان ۱۳۵۷/۷/۲۳.

۳. کیهان ۱۳۵۷/۷/۲۳.

۴. اطلاعات ۱۳۵۷/۷/۲۳.

۵. رستاخیز ۱۳۵۷/۷/۲۳.

۶. رستاخیز ۱۳۵۷/۷/۲۳.

به اطلاعات مربوط به روزنامه‌های منتشر شده در مقطع مورد بررسی (۲۶ دی ۱۳۵۷: خروج شاه از ایران تا اول مهر ۱۳۵۹: حمله عراق به ایران) نزدیک به یکسال بطول انجامد و سرانجام مشخصات ۲۵۳ روزنامه ثبت شد. (علاوه بر حداقل ۲۵۳ روزنامه مذکور که شماره اول آنها اعم از نخستین دوره یا دوره جدید در این مدت منتشر گردید، حداقل ۱۰۵ روزنامه دیگر نیز منتشر می‌شده که تاریخ شروع آنها قبل از دوره مورد بررسی است. به این ترتیب می‌توان گفت که در دوره مورد بررسی حداقل ۳۵۸ روزنامه منتشر می‌شده است) در دوره مورد بررسی علاوه بر روزنامه، گونه‌های زیراکسی و انبوه اعلامیه‌ها و شبنامه‌های دستنویس و زیراکسی که خارج از حوزه این بررسی است روزنامه‌هایی نیز منتشر شده که فاقد شماره و یا تاریخ انتشار بوده است اما چون در همان مقطع، نسخ آنها را شخصاً تهیه کرده‌ام، با اطمینان می‌توانم بگویم که مربوط به دوره مورد بررسی است مانند بولتن کانون زندانیان سیاسی ضدامپریالیست و ضدارتجاع داخلی که به قطع ۳۰ × ۴۴ سانتیمتر بصورت چاپ در ۴ صفحه منتشر شده و یک نسخه از آن نزد من موجود است و فاقد شماره و تاریخ انتشار می‌باشد. به همین ترتیب روزنامه شاطر الشعرا که نسخه‌ای از آن فاقد شماره و تاریخ است و به قطع ۳۳ × ۵۰ سانتیمتر منتشر شده است (نسخه دیگری از این روزنامه دارای شماره ۲ مورخ ۵۸/۸/۲۵ در دست است و فاقد شماره می‌باشد. به همین ترتیب روزنامه فجر اصناف که فاقد شماره است و نسخه‌ای از آن مربوط به مرداد ۱۳۵۸ می‌باشد و یا روزنامه کارمند که بدون شماره نسخه‌ای از آن مربوط به ۵۸/۶/۴ است. روزنامه‌ای با نام مش حسن در دست است که بدون شماره و بدون تاریخ و یا هر دو بوده است مانند روزنامه برابری که ویژه‌نامه‌ای بدون شماره و تاریخ در ۴ صفحه بمناسبت اول ماه می منتشر کرده و یا روزنامه پیوند نیز ویژه‌نامه‌ای درباره مبارزات مردم مسلمان صحرائ غربی در قطع ۴۲ × ۶۰ سانتیمتر در ۴ صفحه منتشر کرده که فاقد شماره و تاریخ است. روزنامه‌های پرتیراژ قدیمی مانند کیهان و اطلاعات نیز شماره‌هایی بصورت فوق العاده منتشر کرده‌اند مانند فوق العاده اطلاعات که یکشنبه ۵۸/۱/۱۹ با تیتراژ «هویدا تیر باران شد» در دو صفحه و یا فوق العاده دیگر اطلاعات که جمعه ۲۷ بهمن ۱۳۵۷ با تیتراژ «تیرباران رهبران رژیم منفور شاه» در دو صفحه و یا فوق العاده دیگر همان روزنامه در ۴ صفحه دوشنبه ۵۸/۶/۱۹ با تیتراژ اصلی «آیت الله طالقانی به ملکوت اعلی پیوست» از نمونه‌های مذکور است. روزنامه‌ای نیز در دست است در دو صفحه به قطع ۴۲ × ۶۰ بنام آسیای جوان که فاقد شماره و تاریخ است و تصور می‌شود پیش شماره‌ای برای انتشار مجله آسیای جوان بوده باشد.

نخستین روزنامه‌ای که پس از خروج شاه از ایران منتشر شد احتمالاً روزنامه «چه باید کرد؟» است. این روزنامه از سوی حزب کارگران سوسیالیست روز ۳۰/۱۰/۵۷ منتشر شد. اگرچه روزنامه‌ای هفتگی بود ولی تا ۵۸/۱۲/۲۰ فقط ۱۲ شماره انتشار یافت و از آن نسخه‌ای دیگر در دسترس نیست.

بررسی من نشان می‌دهد که اردیبهشت ۵۸ اوج انتشار شماره اول روزنامه‌های تازه متولد

شده مقطع مورد بررسی است. اگر تعداد روزنامه‌های جدید دوره مذکور را بر روی یک منحنی پیاده کنیم خواهیم دید که بهمن ۱۳۵۷، ۱۶ روزنامه، اسفند همان سال ۲۷ روزنامه، فروردین ۵۸ تعداد ۳۰ روزنامه و اردیبهشت ۳۴ روزنامه آغاز به انتشار نموده‌اند و این روند تا یک روزنامه جدید در شهریور ۱۳۵۹ تنزل کرده است. معدودی از این روزنامه‌ها از مدتی قبل از انتشار از طریق چاپ پوستر و نصب آن در خیابانها و حتی چاپ آگهی در روزنامه‌های دیگر به تبلیغ روزنامه خود می‌پرداختند. به عنوان مثال شماره اول روزنامه خلق مسلمان حاوی آگهی است با این مضمون که بزودی روزنامه انقلاب اسلامی زیر نظر ابوالحسن بنی‌صدر منتشر می‌شود.

پس از رفتن شاه که در واقع نخستین پیروزی توده مردم در انقلاب بود، جامعه تشنه آن بود که بداند چه خواهد شد. همان قدر که نیازمند کسب خبر درباره رویدادهای انقلاب بود می‌خواست از شرایط رویدادها و پیامدهای آنها نیز کسب نظر کند، در واقع شرایط انقلابی باعث شده بود که میزان ارتباطات میان فردی و گروهی بسیار افزایش یابد و در واقع افراد تمایل داشتند که از طریق این ارتباطات از یکسو به مبادله نظر بپردازند و از سوی دیگر گروه‌های فکری متناسب با خود را بیابند و تأمین چنین نیازهای ارتباطی از طریق رادیو و تلویزیون چه قبل از ۲۲ بهمن و چه پس از پیروزی انقلاب امکان پذیر نبود. علت این امر در چند عامل نهفته است. نخست طبیعت و خصیصه هر یک از وسایل ارتباط جمعی است که سبب می‌شود روزنامه برای این منظور وسیله مناسب‌تری برای جامعه محسوب شود. بخشی از این خصایص را می‌توان در مقایسه روزنامه با رادیو و تلویزیون شرح زیر بر شمرد:

- روزنامه بیش از رادیو و تلویزیون، اراده انتخاب زمان دریافت پیام را در اختیار گیرنده قرار

می‌دهد.

- کمتر از تلویزیون خصیصه سرگرم‌کنندگی و پرکردن اوقات فراغت را دارد.

- محتوای آن بسیار بیشتر از رادیو و تلویزیون دارای دوام است و کمتر از آنها جنبه فرار و یک

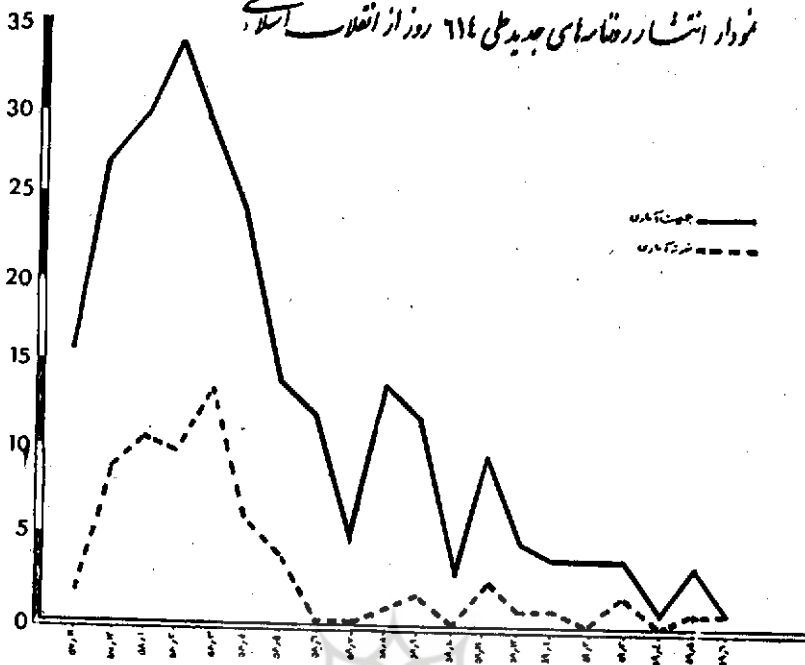
بار مصرف دارد.

- بیش از رادیو و تلویزیون می‌تواند مخاطبین مخصوص گروهی، حزبی، صنفی و... داشته

باشد.

عامل دیگر آنکه رادیو و تلویزیون در هر دو مقطع، تقریباً در اختیار گروه حاکم بود. در واقع همانگونه که «پائول هورتون» در کتاب جامعه‌شناسی خود در بررسی پدیده «سیکل انقلاب‌ها» چهارمین مرحله را رقابت میان گروه‌های انقلابی (بهی توجه به وسعت یا کوچکی این یا آن گروه) برای دستیابی به قدرت ذکر کرده، در انقلاب اسلامی نیز به تدریج پس از پیروزی انقلاب میان

نمودار انتشار روزنامه‌های جدید طی ۶۱۶ روز از انقلاب اسلامی



وابستگی روزنامه‌ها به گروه‌ها

از ۲۵۳ روزنامه تازه انتشار دوره مورد بررسی، ۱۵۳ روزنامه (۶۰/۴ درصد) مربوط به گروه‌ها و احزاب و سازمان‌ها بوده و ۱۰۰ روزنامه (۳۹/۶ درصد) به اصطلاح مستقل بوده‌اند. در این مورد لازم به توضیح است که معدودی از روزنامه‌ها همراه با عنوان روزنامه خود جملاتی چون «مستقل، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» را چاپ می‌کردند و برخی نیز احتمالاً از ذکر گروه یا سازمان انتشار دهنده روزنامه به دلایلی خودداری می‌کردند. در نتیجه چنین تصور می‌شود که نسبت روزنامه‌های گروه‌ها و سازمان‌ها بیش از ۶۰/۴ درصد مذکور باشد. همچنین برخی از روزنامه‌ها اگر چه گروه ناشر را ذکر می‌کردند اما وابستگی اصلی را مشخص نمی‌نمودند مثل روزنامه راه زحمتکشان که از سوی کارگران پیشرو منطقه قزوین - ساوجبلاغ منتشر می‌شده و از روی اصطلاح «پیشرو» و مطالعه محتوای آن می‌توان حدس زد که مربوط به سازمان چریکهای فدایی خلق بوده است. و یا روزنامه آرمان که به عنوان ارگان سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران منتشر می‌شده است. وابسته به حزب توده بوده است. ولی چون در این وابستگی‌ها، تردیدهایی وجود دارد در یک جدول در ستون وابسته و هواخواه، همان ذکر شده که در روزنامه آمده است (به تدریج که از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذشت، برخی از گروه‌ها به ویژه گروه‌های اسلامی در سخنرانی‌ها و نوشته‌های خود برای روشن شدن موضع نسبتاً مبهم از برخی روزنامه‌ها از آنان می‌خواستند که موضع خود را مشخص کنند) لازم به یاد آوری است تحلیل ستون مربوط به وابستگی و هواخواهی روزنامه‌ها در این تحقیق نشان می‌دهد که سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بیش از سایرین به انتشار روزنامه مبادرت کرده است. در جدول زیر عنوان اصلی ناشر روزنامه‌ها نشان داده شده است:

ناشر	تعداد	درصد
سازمان‌ها	۳۶ روزنامه	۱۴/۲
انجمن‌ها	۱۴ روزنامه	۵/۵
گروه‌ها	۹ روزنامه	۳/۶
احزاب	۸ روزنامه	۳/۲
کانون‌ها	۷ روزنامه	۲/۷
اتحادها	۷ روزنامه	۲/۸
جمعیت‌ها	۶ روزنامه	۲/۴
کمیته‌ها	۵ روزنامه	۲/۰
اتحادیه‌ها	۴ روزنامه	۱/۶

۱/۶	۴ روزنامه	شوراها
۱/۶	۴ روزنامه	جبهه‌ها
۰/۸	۲ روزنامه	موسسات
۰/۴	۱ روزنامه	فرقه
۰/۴	۱ روزنامه	نهضت
۰/۴	۱ روزنامه	جامعه
۰/۴	۱ روزنامه	کنفدراسیون
۱۶/۹	۴۲ روزنامه	سایر
۳۹/۵	۱۰۰ روزنامه	احتمالاً مستقل

جمع ۲۵۳ ۱۰۰

همانگونه که قبلاً گفته شد در طول مدت مورد بررسی، روزنامه‌های دیگری نیز منتشر می‌شده که یا مانند دو روزنامه قدیمی عصر پایتخت - کیهان و اطلاعات - دنباله شماره‌های سالهای پیش بوده و یا روزنامه‌هایی بوده که از اوایل شکل‌گیری انقلاب شروع به انتشار نموده بودند.

گفتیم که ۶۰/۴ درصد روزنامه‌هایی که نخستین شماره آنها در دوره مورد بررسی منتشر شده متعلق به احزاب، گروه‌ها، سازمانها و... بوده است. در همان دوره برخی از روزنامه‌ها اشاراتی به فراوانی تعداد احزاب و گروه‌ها می‌نمودند، بعنوان مثال روزنامه سپهر در شماره ۷ مورخ ۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۸ تعداد این گروه‌ها و احزاب را ۸۴ مورد ذکر کرد. این روزنامه در مقاله‌ای با عنوان «باید جبهه ملی را تقویت کرد» می‌نویسد: «طبق آمار صحیح، بعد از انقلاب ۱۳۵۷ تا امروز ۸۴ حزب و کانون و سازمان در سطح کشور به وجود آمده است و همه لیبرال‌های این واحدهای سیاسی داعیه ریاست جمهوری و نخست‌وزیری، ریاست مجلس و بالاخره وکالت را دارند در حالی که اگر با دقت تعداد دست‌اندرکاران بعضی از این واحدهای سیاسی اعلام شده را سرشماری کنیم به تحقیق از تعداد شمارش انگشتان بیشتر نیست. در این میان احزاب توده، جبهه ملی، جمهوری خلق مسلمان ایران از همه بیشتر مورد توجه بوده و اشخاص معتقد به ایدئولوژی خود بیش از سایر دستجات می‌باشند». روزنامه کیهان نیز در شماره ۵۸/۶/۶ خود لیستی حاوی اسامی ۸۸ حزب و گروه را منتشر نمود. بهر حال اسامی این احزاب و گروه‌ها بر اساس اطلاعات بدست آمده، بشرح زیر است:

حزب کارگران سوسیالیست، اتحادیه انقلاب زنان مبارز، بخش تبلیغات امام خمینی منطقه

دانشگاه تهران، فدائیان ملت، جمعیت بیداری زنان، اتحادیه انقلابی دانش آموزان ایران، جنبش انقلابی مردم ایران (جاما)، کمونیست های مستقل ایران، اقامتگاه امام در مدرسه علوی، گروه میهن پرستان، سازمان چریک های فدایی خلق ایران، سازمان جوانان اقامتگاه امام در مدرسه علوی، گروه میهن پرستان، سازمان چریک های فدایی خلق ایران، سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات (وابسته به حزب توده)، پویندگان راه کارگر، حزب توده، اتحادیه دموکراتیک خلق ایران، اتحاد برای آزادی، کانون دانش آموزان دموکرات ایران طرفدار جبهه ملی، سازمان انقلابی، سازمان کارگر، کارگران پیشرو صنایع فولاد، فرقه آزادیخواهان آذربایجان، سازمان جوانان انقلابی، حزب ایران، انجمن اسلامی فجر امید، حزب جمهوری اسلامی، سازمان کارگری حزب الله، کانون نویسندگان ایران، جبهه دموکراتیک ملی ایران، کانون دانش آموزان دموکرات سندج، گروهی از دانشجویان دانشگاه کار و دانشسرای تربیت معلم، سازمان و اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر، مردم زحمتکش، پرسنل انقلابی نیروهای مسلح، دانش آموزان مبارز دبیرستان البرز، گروه صمد، گروه کارگری پیشرو، سازمان سراسری دانشجویان و محصلین ضدامپریالیست ایران، شورای موسس اتحادیه سراسری کارگران ایران، کارگران تکنوکار، سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، انجمن اسلامی فرهنگ و هنر، سازمان رزمندگان پیشگام مستضعفان ایران، انجمن اسلامی دانش آموزان خوارزمی، انجمن رهایی زن، موسسه احیاء و نشر میراث اسلامی، کارگران پیشرو منطقه قزوین ساوجبلاغ، گروه ایجادکننده تشکیلات سراسری دانشجویی، شوراهای کارگران مسلمان، کانون مستقل معلمان ایران، گروه توحیدی قم، خارجیان همبسته با ایرانیان، اتحاد ملی زنان، جبهه آزادی مردم ایران، حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان ایران، مسلمانان آموزش و پرورش ناحیه ۷، سازمان اتحاد چپ، گروه بررسی مسائل آذربایجان، سازمان ملی دانشگاهیان ایران، ساتجا، گروه مبارزه در راه ایجاد کانون های دموکراتیک دانش آموزی، سازمان معلمان مسلمان، حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران، کانون فرهنگی اسلامی گرگانزو رشت، انجمن اسلامی معلمان ایران، کارکنان سازمان برنامه، شورای ناشران و کتابفروشان، انجمن اسلامی پادگان قصر، انجمن هنرمندان خلق، جامعه روشنفکران یهودیان ایران، جنبش مسلمانان پیشگام، کانون اسلامی روستای گالیکش، اتحاد انقلابی برای رهایی کارگر، سازمان ملی معماران و شهرسازان و دانشجویان معماری، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، اتحادیه کمونیست های ایران، شرکت کشت و صنعت کارون، جمعیت کردهای مقیم مرکز، کمیته انقلاب اسلامی، جمعیت ایرانی تعاون با فلسطین، جنبش جوانان و دانشجویان انقلاب ایران، کارگران ارج، گروه احیای شورای هماهنگی کارکنان دولت، جمعیت آزادی، کمیته نبرد فدائیان اسلام، شورای همبستگی خلق های ایران در کردستان، زحمتکشان تپه زورآباد کرج، سازمان جوخه های سرخ، کارگران پیشرو پیکار، اتحادیه سراسری روستائی ترکمن صحرا، سازمان زحمتکشان کردستان ایران (کومله)، کمیته دانش آموزان محمود آباد، انجمن ملی دانش آموزان، اتحاد مبارزه در راه آرمان طبقه کارگر، گروه کمونیستی نبرد برای

رهایی طبقه کارگر، سازمان مبارزان برای ایجاد جنبش مستقل کارگری، کارکنان انقلابی وزارت امور اقتصاد و دارایی، سازمان دانشجویان مسلمان پیرو امام، دانش آموزان و دانشجویان پیشتاز سازمان توده انقلابی دانشجویان و دانش آموزان پیشگام اهواز، کمیته کارگری قیام برای رهایی کارگر، کنفدراسیون دانش آموزان و دانشجویان ایران، کانون ابلاغ اندیشه‌های شریعتی، سازمان جوانان جبهه ملی، دانش آموزان جنوب، پیشاهنگان کارگران رزمنده، رزمندگان آزادی طبقه کارگر، انجمن اسلامی کارکنان وزارت دادگستری، اهالی مبارزنازی آباد، وحدت انقلابی برای آزادی طبقه کارگر، سازمان اتحاد چپ کردستان، حزب اسلامی میهن دوستان ایران، اداره کل آموزش و پرورش تهران، جهاد سازندگی، انجمن اسلامی جوانان جنوب تهران، انجمن ملی دانش آموزان، نهضت آزادی ایران.

فاصله انتشار

از میان ۲۵۳ روزنامه مورد بررسی، اطلاعات دقیق درباره فاصله انتشار ۱۰۷ روزنامه بدست آمد، در واقع بسیاری از بقیه روزنامه‌های مذکور دارای فواصل انتشار نامرتب بودند. ضمن آنکه برخی از روزنامه‌هایی نیز که فاصله انتشار خود را ذکر کرده‌اند عملاً نتوانسته‌اند آن را دقیقاً رعایت کنند. بعنوان مثال روزنامه ستاره اسلام، روزنامه‌ای هفتگی بوده اما فاصله میان انتشار شماره ۳ تا ۴ آن ۱۲۸ روز طول کشیده است. در واقع ۱۰۷ روزنامه‌ای که به آنها اشاره شد نیز فاصله انتشار آرمانی آنها معین شده نه فاصله انتشار حقیقی و عملی.

بهر حال بررسی فواصل انتشار نشان می‌دهد که حدود ۶۰ درصد روزنامه‌هایی که در این دوره متولد شدند هفتگی، ۱۵ درصد دو هفته یکبار، ۱۱ درصد روزانه، ۷ درصد ماهانه، ۱۴ درصد دو هفته یک شماره، ۲ درصد هفته‌ای سه شماره و یک درصد، سه روز یک شماره بوده‌اند، این پراکندگی فواصل شاید نشان دهنده این مطلب بوده که احتمالاً قصدناشران از انتشار روزنامه ارسال پیام بوده نه الزاماً تداوم آن.

محل انتشار

احتمالاً ۷۳ درصد روزنامه‌های مورد بررسی در تهران و ۲۷ درصد بقیه در شهرستانها منتشر می‌شدند، در سنج بیش از هر شهر دیگری روزنامه جدید متولد شده است (۹ روزنامه)، پس از آن تبریز، اهواز و رشت قرار دارد.

نوع چاپ

ظاهراً تمامی روزنامه‌های مذکور به صورت افست چاپ شده، به‌ویژه آن که در مدت مورد بررسی، کمبود یاگرانی فیلم وزینک مورد نیاز چاپ افست وجود نداشته است. به همین جهت حتی

روزنامه‌هایی دیده شده که از روی نسخه دستنویس، فیلم و زینک گرفته شده و عیناً به همان گونه چاپ شده است (مانند روزنامه هیاوو). روزنامه‌هایی نیز دیده شده که متن آن با ماشین تحریری معمولی تایپ شده و از روی نسخه تایپ شده فیلم و زینک تهیه و چاپ شده است (مانند روزنامه پیکار خلق). در دوره مورد بررسی سه روزنامه دیده شده که بر روی کاغذ رنگی چاپ شده‌اند. (شماره اول روزنامه بازار روز روی کاغذ سبزرنگ، شماره دوم روزنامه خلیج فارس روی کاغذ صورتی رنگ و شماره اول روزنامه رویداد روی کاغذ آبی رنگ چاپ شد) از نظر تأمین کاغذ مورد نیاز احتمالاً برخی از روزنامه‌ها دچار مشکلاتی بوده‌اند، مشاهده شده که نوع کاغذ شماره‌های مختلف معدودی از روزنامه‌ها چه از نظر وزن (گرم کاغذ) و چه نوع (کاهی یا سفید) تفاوت داشته است. حتی روزنامه انقلاب اسلامی که از پشتوانه امکانات ابوالحسن بنی صدر برخوردار بوده در ششمین شماره خود مبادرت به چاپ آگهی نمود با عنوان «به کاغذ رول ۵۰×۶۸ روزنامه احتیاج داریم» و شماره تلفنی را برای تماس فروشندگان اعلام کرده بود.^۱

وقتی حدود ۲۲۰ روز از پیروزی انقلاب اسلامی گذشته بود، روزنامه آوای مازندران در سرمقاله شماره اول خود نوشت: «... بر اثر افزایش نرخ تورم قیمت کالاهای وارداتی مورد نیاز روزنامه از قبیل ماشین آلات و قطعات یدکی، بویژه کاغذ روزنامه، دائماً در حال افزایش است...»^۲

سطح زیر چاپ

سطح زیر چاپ روزنامه‌های دوره مورد بررسی بسیار متنوع بوده است. اگر حدود یک سانتیمتر برش اطراف کاغذ را که در مواقعی رعایت نشده در نظر بگیریم و اختلاف ۲ سانتیمتر و بیشتر را ماخذ دسته بندی قرار دهیم می‌توان ۲۲ مدل را برای آنها متصور شد که در این میان مقطع ۴۴×۳۰ سانتیمتر بیش از همه (حدود ۱۸/۶ درصد) بوده است. قابل ذکر است که معدودی از روزنامه‌ها به تدریج قطع خود را تغییر می‌دادند، برخی از قطع کوچک به بزرگ و برخی معکوس می‌کردند.

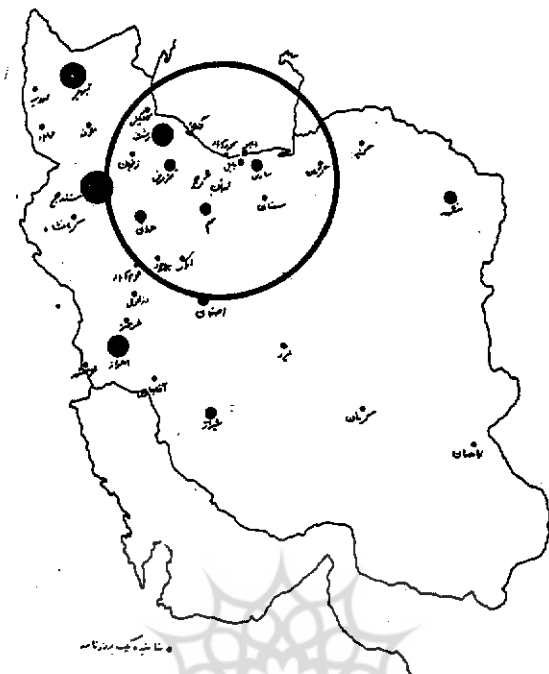
قیمت فروش

بسیاری از روزنامه‌های دوره مورد بررسی، قیمت فروش خود را ذکر نمی‌کردند و تقریباً تمامی آنها فاقد اطلاعاتی درباره آبونمان بودند. و بی‌شک سهمی از آنها رایگان توزیع می‌شده است. روزنامه مشورت که از سوی پیشاهنگان کارگران رزمنده منتشر می‌شده بجای ذکر قیمت می‌نوشت: «همکاری ۱۰ ریال»^۳، ضمن آنکه معدودی از این روزنامه‌ها، در ستون خاصی با ذکر کدهای

۱. انقلاب اسلامی، ۱۳۵۸/۴/۴.

۲. آوای مازندران، ۱۳۵۸/۹/۳.

۳. مشورت، بهمن ۱۳۵۸.



انتخابی طرفداران خود وصول ارقام کمک‌های مالی ارسال شده را اعلام می‌کردند. مانند روزنامه «روزکارگر» که در شماره ۲۰ خود از خوانندگان خواسته است کمک‌های مالی خود را برای تداوم انتشار روزنامه همراه با حرف اول نام خود و یک کد سه رقمی تحویل دهند و به دنبال این اطلاعیه جدولی حاوی اسامی رمز ۸۳ نفر را که بین ۶۷۰۰ تا ۲۰۰ ریال کمک مالی کرده بوده‌اند چاپ کرده است و یا روزنامه «چه باید کرد» که این روزنامه نیز مشابه روزنامه رزم کارگر اسامی رمز ۱۲ نفر را که بین ۱۰۰۰ تا ۱۰۰/۰۰۰ ریال کمک مالی کرده بودند ذکر نمود.^(۲) بهر حال از ۲۵۳ روزنامه مورد بررسی اطلاعات مربوط به قیمت فروش ۱۲۷ روزنامه بدست آمد که ۵۱ درصد آنها ۱۰ ریال، ۲۵ درصد ۱۵ ریال، ۱۱ درصد ۵ ریال، ۹ درصد ۲۰ ریال، و ۳ درصد ۲۵ ریال، و حدود یک درصد ۴۰ ریال بوده است.

تعداد صفحات

تعداد صفحات روزنامه‌ها نیز از تنوع نسبی برخوردار بوده است. ۳۵ درصد ۴ صفحه، ۳۴ درصد ۸ صفحه، ۱۳ درصد ۶ صفحه، ۸ درصد ۱۲ صفحه، ۴ درصد ۱۶ صفحه، و ۳ درصد ۲۴ صفحه

۱. رزم کارگر، ۱۳۵۸/۱۲/۱۴.

۲. چه باید کرد، ۱۳۵۸/۱۲/۴.

و هر کدام از روزنامه‌های ۲ صفحه‌ای، ۱۴ صفحه‌ای، و ۲۰ صفحه‌ای نیز هر یک حدود یک درصد بوده‌اند. اگر حاصل ضرب قطع در تعداد صفحات را X و قیمت تکفروشی را نیز Y فرض کنیم، محاسبات ضریب همبستگی پیرسون میان X و Y برابر $0/4994$ می‌شود که نشانه ضریب همبستگی قوی نیست و در واقع این ضریب حاکی از آن است که بخشی از ناشران روزنامه‌های دوره مورد بررسی - به همان دلایلی که قبلاً در مورد روزنامه‌های انقلابی مطرح شد - انتشار پیام برای شان اهمیت بسیار بیشتری داشته تا تعادلی میان دخل و خرج روزنامه‌های مذکور، ضمن آنکه یادآوری می‌نماید که اکثر روزنامه‌های مذکور خصلت روزنامه‌های انقلابی را داشته و فاقد آگهی‌های تجارتي و یا خبر بوده و سهم عمده‌ای از سطح زیر چاپ را مقالات تشکیل می‌داده است و در واقع تنها راه جبران هزینه‌های روزنامه، همان تکفروشی آنان بوده است. تقریباً تمامی روزنامه‌ها صرفاً تکفروشی داشته‌اند و بخلاف دوره مشروطیت، صحبتی از آبونمان شش ماهه یا سالیانه روزنامه‌ها نبوده است.

عمر روزنامه‌ها

عمر روزنامه‌های دوره مورد بررسی نیز اکثراً بسیار کوتاه بوده به طوری که فقط به شماره اول ۶۰ روزنامه (۲۴ درصد) دسترسی حاصل شد بنابراین به احتمال قوی بخشی از آنها بیش از یک شماره منتشر نشده‌اند. البته چند روزنامه نیز در دوره مورد بررسی شروع به انتشار نمودند که انتشار آنها هنوز نیز ادامه دارد. مانند روزنامه جمهوری اسلامی و روزنامه بازار روز. اما بی توجه به چند مورد نادر مذکور میانگین تعداد شماره‌های ۲۵۳ روزنامه مورد بررسی ۱۵ شماره است که همانگونه که قبلاً گفته شد ۲۴ درصد آنها روزنامه‌هایی هستند که فقط یک شماره آنها دیده شده است. شاید بتوان گفت از ۲۵۳ روزنامه مورد بررسی فقط ۱۶ روزنامه (۶/۳ درصد) بوده اند که بیش از ۵۰ شماره منتشر شده‌اند. این روزنامه‌ها عبارت بودند از نبرد ملت، خبر، صدای کارگر، انقلاب اسلامی، فریاد گودنشین، ندای اکباتان و بهار آذربایجان، مجاهد، نبرد دانش آموز، کایر، نوزده دی، بازوی انقلاب، رزمندگان، سهیل، ماهان.

مدیران روزنامه‌ها

شناخت مدیران روزنامه‌های دوره مورد بررسی با دشواری‌هایی مواجه است. از یکسو بسیاری از روزنامه‌ها از درج نام صاحب امتیاز و مدیر مسئول خودداری می‌کردند و مشخص نیست که این عدم درج نام مدیر مسئول برای پنهان کردن انگه‌ها یا ناشی از عدم آگاهی ناشر در لزوم ذکر این اطلاعات بوده است. ولی می‌توان حدس زد که برخی از احزاب، گروه‌ها و سازمانهای چپ که از همان اوایل پیروزی انقلاب اختلافاتی با دولت موقت و سردمداران حکومت پیدا کرده بودند از ذکر اطلاعات درباره نام مدیر روزنامه یا نشانی محل انتشار خودداری می‌کردند.

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که از پیروزی انقلاب اسلامی تا شش ماه، هیچ روزنامه‌ای برای کسب مجوز انتشار با وزارت ارشاد ملی وقت تماس نداشته است (نخستین اقدام دولت موقت برای تهیه قانون مطبوعات، تهیه پیش نویس لایحه مطبوعات در اوایل خرداد ۱۳۵۸ بود. کاهش شرط سنی از ۳۰ سال به ۲۰ سال و حذف مدرک دیپلم دبیرستان برای متقاضی امتیاز در نظر گرفته شده بود. این لایحه پس از اظهار نظرهای مختلف در مطبوعات، ۲۳ تیرماه به دولت تقدیم شد و سرانجام ۱۶ مرداد ۵۸ در شورای انقلاب مورد تصویب قرار گرفت و ۳۰ روز بعد بود که به دستور دادستان انقلاب اسلامی تهران، ۲۲ روزنامه و مجله توقیف شد) از مهر ۱۳۵۸ نخستین امتیاز برای ادامه انتشار روزنامه صادر شد اما از ۲۵۳ روزنامه ثبت شده فقط ۲۷ روزنامه یا ۱۰/۷ درصد آنها اقدام به دریافت امتیاز نمودند. اطلاعات مربوط به روزنامه‌هایی که در آن دوره امتیاز گرفته‌اند در منابع وزارت ارشاد اسلامی موجود است. مراجعه به این منابع نشان می‌دهد که مدیران روزنامه‌های مذکور به سه گروه تقسیم می‌شدند.

۱- اعضای شورای انقلاب و مقامات بالای انقلاب اسلامی مانند آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای (بعدها رئیس جمهوری و سپس رهبر انقلاب) که در تاریخ ۵۸/۳/۱ روزنامه جمهوری اسلامی را انتشار دادند. و یا دکتر ابوالحسن بنی‌صدر عضو شورای انقلاب و سپس نخستین رئیس جمهوری که در تاریخ ۵۸/۷/۲۱ انتشار روزنامه او صادر شد (نخستین شماره مذکور ۲۴۹ روز پس از صدور امتیاز منتشر شد) و یا روزنامه میزان که منسوب به مهندس مهدی بازرگان عضو شورای انقلاب و نخست‌وزیر دولت موقت بود.

۲- مقامات حزبی مانند حبیب‌الله پیمان که امتیاز روزنامه امت را در ۵۸/۱۰/۱۰ دریافت نمود آخرین شماره موجود این نشریه در آرشیوها شماره ۴۹ مورخ ۵۸/۱۲/۲۹ است.

۳- روزنامه نگاران قبل از انقلاب، مانند علیرضا رهبانی که در تاریخ ۵۸/۱۱/۲۹ امتیاز روزنامه بامداد بنام وی صادر شد (این روزنامه نیز از ۲۹۴ روز قبل از دریافت امتیاز منتشر می‌شده است).

۴- دیگران، مانند زهره مجدزاده طباطبایی که روزنامه فریاد گودنشین را منتشر می‌کرد. ابراهیم واحمد سکاکی که ناشر روزنامه بهلول بودند، سیدمحمد رضا فروغی آل داود که روزنامه راهنمای روز را منتشر می‌کردند، قابل ذکر است که حداقل امتیاز دو روزنامه را زنان دریافت کرده بودند، در حالیکه روزنامه آنان مربوط به بانوان نبود.

اسم روزنامه‌ها

اسم روزنامه‌های تازه انتشار دوره مورد بررسی از تنوع نسبی برخوردار بود. برخی از روزنامه‌ها علت گزینش نام روزنامه را ذکر می‌کردند مانند روزنامه جنگ که در انتهای سرمقاله شماره اول خود نوشت: «ما در حالیکه از جنگ و جدال متنفریم، با هر پدیده‌ای که مخالف دین و

آئین مملکت و ملت ما باشد سرناسازگاری خواهیم داشت و بهمین جهت نام روزنامه را جنگ نهاده‌ایم...»

بررسی دقیق تر اسامی روزنامه‌ها نشان می‌دهد که پنج مضمون اصلی بیش از سایر مضامین برای گزینش اسم برای روزنامه‌ها دخالت داشته است. این مضامین به ترتیب فراوانی عبارت بودند از عناصر فراگرد ارتباط، مبارزه و نبرد، کارگر، و انقلاب و آزادی. البته برخی از اسامی از ترکیب دو مضمون مذکور بوجود آمده بود. مانند «انقلاب اسلامی» یا «کارگران مسلمان» نمونه‌های اسامی پنج مضمون بشرح زیر است:

۱- عناصر فراگرد ارتباط

پیام خلق، پیام دانش آموز، پیام دانشجوی، پیام مستضعفین، پیام معلم، پیام جمعه، پیام آزادگان، پیام شهید، پیام ایران و فلسطین، پیام حق، صدای معاصر، صدای معلم، صدای زحمتکشان، صدای کارگر، صدای میهن دوستان، صوت الشهید، فریاد گود نشین، فریاد خزر، فریاد زورآباد، فریاد وطن، خیر، خبرنامه ترکمن صحرا، اخبار امروز، پیغام امروز، زبان عشایر، پیسک، ناطق همدان، پاسخ، سروش، آوای مازندران، ارشاد، نقش قلم.

۲- مبارزه و نبرد

نبرد، نبرد ملت، نبرد دانش آموز، نبرد دانشجوی، زن مبارز، تابلوساز مبارز، دانش آموز مبارز، رزمنده، رزمندگان، اتحاد و رزم دانش آموز، پیکار، پیکارزن، جنگ، شورش، جهاد معلم، پرخاش.

۳- کارگر

کارگر (دانشجویان پیشگام تیریز)، کارگر (سازمان کارگر)، کارگر (مردم زحمتکش)، کارگر (شورای کارگران مسلمان)، کارگران (سازمان چریک‌های فدایی خلق)، کارگران مسلمان، اتحاد کارگر، ویژه کارگران، صدای کارگر، راه کارگر، جنبش کارگری، کارگر مسلمان، اتحاد انقلابی برای رهایی کارگر.

۴- انقلاب

انقلاب اسلامی، انقلاب فرهنگی، بازوی انقلاب، جنبش انقلابی مردم ایران، اتحاد انقلابی برای رهایی کارگر، نگهبان انقلاب اسلامی، جبهه سینمای انقلاب خلق، قیام.

۵- اسلام

ستاره اسلام، جمهوری اسلامی، انقلاب اسلامی، میراث اسلامی، کارگران مسلمان، نهضت زنان مسلمان، خلق مسلمان.

حدود ۱۱ روزنامه‌های دوره مورد بررسی، علاوه بر نامی که برای خود انتخاب کرده بودند یا در یک سطر موضع و وابستگی خود را ذکر می‌کردند و یا شعار و آیه‌ای را چاپ می‌نمودند برخی نیز

محتوای روزنامه را ذکر می‌کردند. روزنامه‌هایی نیز بودند که تأکید می‌کردند که به هیچ حزب و دسته‌ای وابسته نیستند مانند روزنامه «بررسی» که همراه با اسم روزنامه می‌نوشت «ماهانامه‌ای است ملی که به هیچ حزب و دسته‌ای وابسته نیست» و یا روزنامه پست می‌نوشت که «ماهانامه‌ای است که به هیچ حزب و دسته‌ای وابسته نیست». یا اولاریوردی همین موضوع را بزبان ترکی می‌نوشت از مواردی که می‌توان برای هر یک از گونه‌های دیگر فوق نمونه آورد روزنامه‌های زیر است:

۱- ذکر وابستگی

کارگر
مردم

تربیون آزاد زحمتکشان
ارگان مرکزی حزب توده ایران

۲- ذکر موضع

بررسی
کارگر

موضع ما اسلامی و افشاگر نارواها
تربیون آزاد زحمتکشان

بیداری
تلاشی در جهت تحقق جامعه توحیدی

۳- چاپ آیه‌ای از قرآن یا نقلی از نهج البلاغه

ارشاد

کنتم خیرالله اخرجت للناس تأمرون

بالمعروف و تنهون عن المنکر

دانش آموز

کافران در آغاز رعد و برقی نشان

می دهند اما پایانش چیزی جز سستی

و ناتوانی نیست. نهج البلاغه

آرمان مستضعفین

الحمدلله رب المستضعفین

روزنامه عصر

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
بشارت باد بندگان مرا، آنان که

سخن ها را گوش می دهند و بهتر نشان

را برمی گزینند.

انقلاب اسلامی

مژده آن بندگان مرا که به

سخن ها گوش فرامی دهند و از

بهرتر نشان پیروی می کنند.

۴- شعار

روزنامه مشورت

کارگران جهان متحد شوید

بیکار خلق

رنجبر روی زمین اتحاد

روزنامه آزادی

آن آزادی که فقط منحصر به

خواهان دولت باشد آزادی نیست.

رزمندگان

کارگران جهان متحد شوید

درفش

جرقه

۵- شعر

پاینده ایران

از یک جرقه حریق بر می خیزد

روزنامه خدنگ:

باخانن بد سیر بجنگیم، بجنگ
پاکیزه دل و بری زرنگیم زرنگ
در کام منافقان شرنگیم شرنگ
در دیده دشمنان خدنگیم خدنگ

۶- توضیح درباره محتوا

روزنامه میراث اسلامی:

با مطالبی در زمینه قرآن،
حدیث، تاریخ اسلام و موضوعات مربوط
برگزیده‌ایست از مقالات مطبوعات مختلف

روزنامه جمعه:

مشکلات و مسائل روزنامه‌ها

در دوره مورد بررسی، روزنامه‌ها با دو نوع مسأله مواجه بودند، مسائل داخلی و مسائلی که مرتبط با خوانندگان آنها می‌شد. مسائل داخلی، خاص روزنامه‌هایی بود که از گذشته انتشار می‌یافتند، به عنوان مثال در اسفند ۱۳۵۷، کارکنان روزنامه «بازار رشت» برای برکناری سردبیر روزنامه دست به اعتصاب زدند و یاد اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ گروه‌هایی از کارگران و کارمندان کیهان که شیوه هیأت تحریریه را در اداره روزنامه غیر انقلابی و حتی ضد انقلابی می‌دانستند احکامی صادر و روز ۵۸/۲/۲۱ - ساعت ۷ صبح - به هنگام ورود اعضای هیأت تحریریه بدون اطلاع قبلی به آنان ابلاغ کرده و به این ترتیب ۲۰ نفر از اعضای تحریریه کیهان اخراج شدند. پس از این اقدام، حدود یکصد تن از دیگر اعضای هیأت تحریریه دست به اعتصاب زدند که این اعتصاب علی‌رغم مذاکرات طولانی در کیهان و سندیکای نویسندگان و خبرنگاران و پادرمیانی مقامات دولتی و مذهبی تا چند روز ادامه داشت و در این مدت کیهان به قول آیندگان «با چهره‌ای کاملاً غریب و متفاوت منتشر می‌شد». روزنامه کیهان در همین مورد در صفحه اول در شماره اردیبهشت خود نوشت «بعلت عدم همکاری گروهی از اعضای تحریریه، کیهان امروز به همت کارگران و کارکنان منتشر شد».

در مدت مورد بررسی، خبرهایی درباره انفجار بمب در دفتر روزنامه بامداد و یا خبرهایی در مورد حملات گروه‌های به اصطلاح چماق بدست به روزنامه‌ها دیده شده است. روزنامه آهنگر در یکی از کاریکاتورهای شماره دوم خود تصویر مردی عینکی را چاپ کرد که پشت میز مشغول



کتابخانه

تحقیقات روزنامه نگاری

سر وجود

بررسی مطبوعات

سریه شماره (۱)
قیمت ۶ ریال
فرد صندوق پستی ۲۱

کتابخانه
سال اول شماره ۱
مستطقی مطبوعاتی

نگارش است و پشت سراو مرد تو مندی ایستاده که با چماقی بدست، آماده حمله به نویسنده می باشد. در زیر نویس کاریکاتور گفته شده بود: «چطور شد هر ایرانی می تونه به روزنامه منتشر کنه، ولی هر ایرانی نمی تونه به چماق داشته باشه؟»

در مورد توقیف روزنامه هانیز گزارش هایی در دسترس است. روزنامه کارگر در شماره اول خود، فروردین ۵۸ خبری از اجتماع آذربایجانی های مقیم مرکز در دانشگاه تهران چاپ کرد و علت اجتماع آنان را اعتراض به توقیف روزنامه «اولدوز» دانست. در اینجا ذکر واژه «ادعا» از این نظر است که می دانیم در فروردین ۱۳۵۸، هیچ روزنامه ای دارای امتیاز خاصی از وزارت ارشاد ملی نبوده، و بنابراین واژه «توقیف» که بیشتر خاص روزنامه های دارای امتیاز حکومت است در اینجا چندان صدق نمی کند.

مهمترین رویداد مربوط به مسائل روزنامه ها با خوانندگان، مربوط به روزنامه آیندگان است گویا «اریک رولو» مفسر روزنامه لوموند، مصاحبه ای با رهبر انقلاب انجام میدهد که آیندگان در نقل این مصاحبه تحریف هایی را بکار می برد. انتشار متن مصاحبه به صورتی که در در آیندگان چاپ شد سبب می شود که دفتر امام اطلاعاتی صادر کند. آیندگان در سرمقاله ۳۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ خود ماجرا را چنین نقل کرد: «بدنبال اطلاعیه دفتر مرکزی امام در تاریخ ۵۸/۲/۲۰ دایر بر این که حضرت

۱. آهنگر، ۱۳۵۸/۲/۴.
۲. کارگر، ۱۳۵۸/۱/۱.

آیت الله العظمی خمینی گفته اند که روزنامه آیندگان را نمی خوانند مگر از حملات و تجاوزات به دفاتر و نمایندگی های آیندگان و مزاحمت های خشونت آمیز در توزیع این روزنامه ها به راه افتاد و عملاً منجر به تعطیل آن شد...

دو روز پس از صدور این اطلاعیه، شماره ۳۳۵۴ روزنامه آیندگان به شکلی کاملاً غیر عادی در چهار صفحه منتشر شد. صفحه اول فقط حاوی یک مقاله با عنوان «آیا انتشار آیندگان باید ادامه یابد؟» بود و سه صفحه دیگر روزنامه را کاغذ سفید تشکیل می داد. در این مقاله آمده بود که «واکنش گروه هایی از مردم ما را به این نتیجه می رساند که انتشار روزنامه را باید تا اطلاع بعدی معوق بگذاریم» این اطلاع بعدی بیش از ۹ روز طول نکشید و همان گونه که گفته شد ۳۱ اردیبهشت روزنامه آیندگان دوباره شروع به انتشار نمود. اما پس از ۷۷ روز انتشار آیندگان برای همیشه متوقف شد یا آن چنان که روزنامه آزاد در فوق العاده ۱۶ مرداد خود اعلام کرد. این روزنامه توقیف شد. در این فوق العاده، متن اعلام جرم علیه آیندگان چاپ شده بود که همکاری سرمایه داران اسرائیلی در ایجاد آن، کمک هفت میلیون و پانصد هزار ریالی حکومت شاه به روزنامه، وابستگی آن به ساواک و سنای آمریکا در گذشته و گام گذاردن در جهت مخالف منافع و مصالح جامعه مسلمان و حکومت جمهوری اسلامی، نشر اخبار و عقاید انحرافی در میان مردم مسلمان انقلابی ایران، نشر اخبار و تفسیرات و تأویلات غیر حقیقی در میان گزارشهای غیر واقعی، همکاری و همگامی با تمام نغمه های مخالف انقلاب اسلامی و ایجاد تشمت و تفرقه بین اقشار و گروه های مسلمان ملت ایران، اعلام تیراژهای دروغین و تبلیغات غیر واقعی برای کسب حیثیت اجتماعی و بهره مندی اقتصادی و... از مفاد اعلام جرم ذکر شده در فوق العاده آزاد بود. رسمی ترین توقیف، صدور روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دستور دادستان وقت دادگاه انقلاب اسلامی مرکز انجام شد طبق این دستور، ۲۲ روزنامه و مجله توقیف شدند. در آن روز دادستان اعلام کرد که مطبوعات مذکور از این پس حق انتشار ندارند. اسامی مطبوعات ممنوع انتشار عبارت بودند از: پیکار، کار، مردم، جوان، کازگر، جوانان، بهلول، حاجی بابا، آهنگر، مش حسن، آزاد، امید ایران، تهران مصور، آرمان، یولداش، آذربایجان، چه باید کرد، تهران آزاد، آزادی، گزارش روز و جوشن^۳ در حکم صادره از سوی دادستان دادگاه انقلاب اسلامی مرکز آمده بود که «مقرر است برای جلوگیری از تحریکات سوء و پخش مطالب بیش از حد که موجب تشویش اذهان عمومی و توطئه علیه دولت جمهوری اسلامی و اختلال در نظم توسط روزنامه های قیده شده می گردد، مأموریت داده می شود که با مراجعه به محل و موسسه چاپ آنها توقیف و مکان پخش را بسته و کلیه کارکنان را اخراج و نتیجه را گزارش نمایند.»

۱. آیندگان، ۱۳۵۸/۲/۳۱.

۲. آیندگان، ۱۳۵۸/۲/۲۲.

۳. کیهان، ۱۳۵۸/۵/۲۹.

۳۷ روز پس از صدور این دستور، اوربانا فالاجی، روزنامه نگار ایتالیایی در مصاحبه‌ای با حضرت امام (ره) پرسید چرا برخی از روزنامه‌های کمونیستی و یا چپ‌گرا بسته شدند. امام در پاسخ گفتند: «آزادی نمی‌تواند به معنای آزادی توطئه و فساد باشد».

۳۹۸ روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دفتر مرکزی روزنامه بامداد با بمب منفجر شد. این انفجار که ۶ صبح روی داد، کشته یا مجروحی بجای نگذاشت.

محتوا

الف - از نظر کمی:

در بررسی محتوای روزنامه‌های دوره مورد بررسی از نظر کمی و شکل ظاهری می‌توان آنها را به ۶ دسته تقسیم کرد:

۱- روزنامه‌هایی که از نظر کمی مشابه روزنامه‌های معمول قبل از انقلاب بودند. حاوی خبر، مقاله، گزارش، مصاحبه و آگهی، با ستون بندی مشخص و مصور مانند روزنامه پیغام امروز، انقلاب اسلامی، بامداد، میزان و... این دسته از روزنامه‌ها، تیترو لید خبرها و مقالات مهمتر را در صفحه اول به صورتی چشمگیر و با صفحه بندی معمول روزنامه نگاری جای داده و بقیه هر مطلب را به صفحات دیگر ارجاع می‌کردند. چنین سبکی چندان مرتبط با قطع روزنامه نبوده است. بعنوان مثال روزنامه آذرخش که کوچکترین روزنامه دوره مورد بررسی است (۳۰×۲۰ سانتی متر) بصورت سه ستونی چاپ شده و در صفحه اول علاوه بر عنوان روزنامه تیترو لید پنج خبر و مقاله را جای داده و بقیه هر مطلب را به صفحات دیگر ارجاع کرده است.

۲- روزنامه‌هایی که فاقد آگهی بوده و سهم مقالات آنها بیش از خبرها بوده است. چنین روزنامه‌هایی سبک معمول گروه اول را تا حدودی رعایت می‌کردند، اما به دلیل نداشتن یا کم داشتن خبر، شکل ظاهری آنها با گروه اول متفاوت بوده است. مانند روزنامه پویا که چهار ستونی، قطع ۳۴×۲۴ منتشر شده و در ۸ صفحه آن فقط یک خبر چاپ شده و بقیه به مقالات اختصاص داشته است، اما صفحه بندی صفحه اول تا حدودی مشابه گروه نخست بوده است.

۳- روزنامه‌هایی که کاملاً فاقد خبر و آگهی بوده و در واقع حاوی مجموعه‌ای از مقالات و تفسیرها بوده است اما همان شکل ظاهری صفحه بندی معمول روزنامه در آن رعایت می‌شده است. مانند شماره ۲ روزنامه میراث اسلامی به قطع ۳۴×۲۴ که صفحه اول آن از ۶ مقاله تشکیل شده که تمامی آنها به صفحات بعد ارجاع شده است. مقالاتی چون زندگی و زمان امام جواد(ع)، سخن پیشوایان، از قرآن می‌آموزیم و...

۴- روزنامه‌هایی که تقریباً فاقد شکل ظاهری و معمول روزنامه بوده است مانند پیام خلق که

به قطع ۵۰×۳۴ چاپ می‌شده و در شماره ۴ خود فقط تعداد چهار مقاله را در هفت صفحه با ستون‌هایی به عرض ۱۲ سانتی متر چاپ کرده است.

۵- روزنامه تک مطلبی که نمونه جالب آن شماره اول روزنامه، جرقه است که مرداد ۱۳۵۸ منتشر شده است. این روزنامه که به قطع ۴۴×۳۰ سانتی متر، در ۶ صفحه سه ستونی چاپ شده است در ۱۰ سانتی متر از فضای بالای صفحه اول عنوان روزنامه، شماره، تاریخ و قیمت ذکر شده بود. تیتیری که جای تیتیر اصلی صفحه اول را گرفته سه ستونی و دو سطر با عنوان «چرا سیوسال امپریالیسم شوروی ایران را از سه طرف محاصره کرده است» بود. پشت سرهم تمام ۶ صفحه را اشغال کرده بود، البته در میان ستونهای هر صفحه یک یا دو میان تیتیر نیز دیده می‌شد.

۶- روزنامه‌هایی که کاملاً فاقد شکل ظاهری و معمول روزنامه بوده است مانند شماره ۵ روزنامه آرمان مستضعفین که به قطع ۵۰×۳۴ چاپ شده است. صفحه اول این روزنامه از یک تیتیر و یک نمودار که دو سوم صفحه را اشغال کرده تشکیل شده است. تیتیر مذکور عبارت است از: «مستضعفین تنها پشتوانه حرکت انبیا و تنها برپاکنندگان جامعه مبتنی بر قسط» این نشریه نمودار و تصویری پیچیده داشت که رمل و اسطرلاب را بیاد می‌آورد. با دقت بسیاری براین نمودار می‌توان حدس زد که مقایسه‌ای است میان نقطه نظرهای قرآن درباره مستضعفین و نقطه نظرهای آمریکا و شوروی، چند نمودار دیگر همراه با مطالب مربوط به همان تیتیر به علاوه مقاله‌ای درباره وحی سه صفحه دیگر روزنامه را پر کرده است.

ب- از نظر کیفی:

شاید بتوان محتوای روزنامه‌های دوره مورد بررسی را از نظر کیفی به ۱۶ دسته تقسیم کرد: در بررسی این دسته‌ها می‌بینیم که برخی از آنها، نسبت به روزنامه‌های قبل از انقلاب، محتوایی ویژه و متفاوت داشته‌اند مانند انتشار درس‌های عقیدتی، بازنویسی تاریخ معاصر، افشای رژیم شاه و خنثی سازی اثرات بیانیه‌های رادیو تلویزیون.

۱- بازنویسی تاریخ معاصر

وقوع انقلاب، فرصتی برای روزنامه‌ها فراهم کرده بود که برخی از رویدادها را که مطبوعات در گذشته حسب فشارها و کنترل‌های حکومت شاه به نحوی دیگر مطرح کرده بودند حال بازنویسی کنند. به عنوان مثال قبل از انقلاب اسلامی رویداد ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به صورت قیام ملی ۲۸ مرداد مطرح می‌شد و حالا بازنویسی آن، کودتای ننگین ۲۸ مرداد بود و یارویداد مربوط به سیاهکل عملیات نافرجام یک گروه خرابکار مطرح می‌شد و حالا رستاخیر سیاهکل گفته می‌شد. نمونه‌ای از این مقالات بشرح زیر است:

- یادی از یک روز تلخ و سیاه تاریخ معاصر، ۲۸ مرداد، روز لشگر حقیر ولگردان، لحظه‌های

آخر حکومت مصدق (روزنامه تهران) مصدق و نهضت ضداستعماری نفت (پیام خلق)، مصدق چگونه سقوط کرد (پرخاش) به انگیزه سالروز در گذشت دکتر محمد مصدق آخرین دیدار (شهاب)، مصدق کیست؟ هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق، ثبت است در جریده عالم دوام ما (افتخارات ملی) مصدق از ما چه می خواست؟ (پیام دانشجو).

حتی روزنامه جبهه ملی ایران در صفحه اول شماره ۱۰۵ مورخ ۱۳۵۷/۱۲/۲۲ پیشنهادی را خطاب به نخست وزیر چاپ کرد و از وی خواست که دستور دهد پرونده دفاعیات دکتر مصدق که در آرشیو وزارت جنگ موجود است در اختیار روزنامه قرارگیرد. متن پیشنهاد مذکور به شرح زیر است: «مبارز دلیر و مقاوم، مهندس مهدی بازرگان نخست وزیر توجه کنند: چون نشر دقیق دفاعیات دکتر مصدق پیشوای درگذشته و سایر وفادارانش دکتر فاطمی و دیگر رهبران ملی در دادگاههای غیر قانونی نظامی پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد برای ملت ایران، بنام درس هایی از تاریخ حیاتی است، دستور فرمایید آرشیو وزارت جنگ در اختیار تنی چند از نمایندگان مطبوعات قرارگیرد تا نسل جوان آگاهی های لازم را بدست آورند.

- گرامیداشت دهمین سالروز رستاخیر سیاهکل (پیشتاز) حماسه سیاهکل (پست).

- در مشروطیت سرکلاه نمدها بی کلاه ماند (کیهان).

- تقی زاده و محمد مسعود (مرد امروز شماره اول).

- کسروی و حماسه توده ها (پیام آزادگان شماره ۲).

- حماسه سرگردسختی، نخستین افسر شهید نهضت ملی ایران (جبهه آزادی، شماره اول)،

- ۲۹ بهمن سالروز قیام نوادگان حیدر (پیشتاز شماره ۶)

- رضاخان که بود که به شاهی رسید (اراده آسیا، شماره اول).

- سیدجمال الدین اسدآبادی و حزب الوطنی (حزب الله شماره اول).

۲- افشای رژیم شاه

دربار پهلوی، رضاشاه و محمدرضاشاه نیز از مواردی بود که چه به صورت مقالات و چه کاریکاتسور افشا می شد. حتی در این مورد کار به جایی کشید که مقامات انقلاب از مطبوعات خواستند از چاپ عکسهای زنان درباری که تقریباً حالت صور قبیحه به خود گرفته بود خودداری کنند. این موضوع در مجلات جنجالی بیشتر و حتی به روی جلد مجلات کشیده شده بود. در میان ۲۵۳ روزنامه مورد بررسی نیز نمونه ای دیده شد. روزنامه اراده آسیا در صفحه آخر شماره اول خود عکسی که فاقد خبر یا مقاله بوده و در واقع نقش تزئینی را برای صفحه ایفا می کرد از اشرف پهلوی با لباسی کاملاً باز چاپ کرده و بالای عکس نوشته بود: «حجاب اسلامی بهتر و والاتر است یا این پیکر

از مقالاتی که به افشاگری رژیم گذشته پرداخته بودند می‌توان به مقاله «ارمغان تمدن بزرگ پهلوی برای زنان زحمتکش ایران» (برابری ویژه نامه اول اردیبهشت) و یا مقاله دروازه‌های تمدن بزرگ را به گل بگیریم، بزرگترین بازمانده و علامت رسیدن به دروازه‌های تمدن بزرگ اعتیاد است. (شهاب) اشاره کرد. از کاریکاتورهایی که در همین زمینه در مطبوعات چاپ شد می‌توان به کاریکاتور صفحه اول شماره ۲۰ روزنامه آوای مازندران اشاره نمود. این کاریکاتور حاوی تصویر دو معتاد بود که به تاج شاهنشاهی تکیه داده و روی و افور کنار آنها علامت آمریکا نقش بسته بود. زیرکاریکاتور جمله «سوی تمدن بزرگ» و جمله «اعتیاد دست آورد سلسله پهلوی» چاپ شده بود.

۳- درس های عقیدتی

مقالات آموزشی در زمینه‌های عقیدتی و ایدئولوژی بخش دیگر از محتوای برخی از روزنامه‌های دوره مورد بررسی است، این گونه مطالب خود به دو دسته فرعی تقسیم می‌شود. مباحث کلی و تعریف و تفسیر واژه‌ها.

۳/۱- مباحث کلی: مانند درس‌هایی از سوره فتح (پیام خلق) تفسیر سوره ناس (روزنامه نیلکوه) طرح کلی اندیشه در قرآن (نهضت زنان مسلمان) انقلاب از دیدگاه لنین (حقیقت) نکته جالب توجه در این مورد وجود بحث‌های مرتبط با اسلام در روزنامه‌های غیر اسلامی است. به‌عنوان مثال روزنامه تموز، نشریه جامعه روشنفکران یهودی ایران در صفحه اول شماره اول مقاله‌ای با عنوان «دیدگاه‌های معلم شهید دکتر علی شریعتی» چاپ کرده بود.^۲

۳/۲- تعریف و تفسیر واژه‌ها

وقوع انقلاب در ایران سبب شده بود که واژه‌های جدیدی از سوی وسایل ارتباط جمعی و متعاقباً در ارتباطات گروهی و میان فردی مطرح و مبادله شود. روزنامه آذرخش (شماره ۶) در این مورد با عنوان «بیشتر بدانیم» نوشت: «این روزها بحث‌های زیادی در محافل مختلف ایران درباره جوانب گوناگون رویدادهای کنونی میهنمان صورت می‌گیرد. در این بحث‌ها معمولاً از کلماتی مانند امپریالیسم سرمایه‌داری، دیکتاتوری، دموکراسی و غیره استفاده می‌شود. معنای دقیق این کلمات چیست؟ برای اینکه مفهوم دقیق این واژه‌ها را بفهمیم لازمست که قبلاً معانی مفاهیم و اصطلاحاتی را که در تعریف و تشریح این واژه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد خوب بفهمیم». این روزنامه پس از مقدمه مذکور به توضیح و تفسیر واژه «قانون» اقدام کرده بود.

از نمونه‌های قابل اشاره می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

روزنامه ارشاد در شماره ۳ در مقاله‌ای با عنوان تفسیر اصطلاحات سیاسی واژه چپ‌گرا.

۱. اراده آسیا، ۱۳۵۷/۱۲/۲۳.

۲. تموز، ۱۳۵۸/۴/۳.

روزنامه سیزده آبان شماره ۱۱ مقاله «رویزیونیسیم چیست؟ روزنامه اتحاد شماره ۴ تعریف واژه‌های انقلاب، حزب، بلشویسم، آنارشیزم، انترناسیونال دوم، بوروکراسی، مانیفست روزنامه بیداری شماره ۸ با عنوان واژه‌های اصیل فرهنگ قرآن به تعریف و تفسیر واژه‌هایی چون مستضعفین، عبادو... پرداخته بود.

۴- مقابله با ایدئولوژی‌های دیگر

همانگونه که قبلاً گفته شد، ۲۵۳ روزنامه‌ای که نخستین شماره آنها در دوره مورد بررسی انتشار یافت وابسته به احزاب، گروه‌ها و سازمانهای گوناگون بودند. در برخی از این روزنامه‌ها به ایدئولوژی‌های دیگر به‌طور مستقیم حمله می‌شد. این مطالب نیز خود به دو دسته فرعی تقسیم می‌شد. حمله به ایدئولوژی‌ها و حمله به منابع تبلیغ ایدئولوژی، در مورد گروه فرعی اول می‌توان به عکس تابلویی اشاره کرد که در شماره ۲ روزنامه دانش آموز چاپ شده بود. روی این تابلو نوشته شده بود: «آقای مارکس: آقای لنین: برخیزید و ببینید افیون ملت‌ها را، روزنامه دخو شماره ۴، کاریکاتوری از دو گروه راهپیمای چاپ کرد که گروه اول بسیار پر جمعیت با شعار اسلام پیروز است، چپ و راست نابود است و گروه دوم فقط سه نفر که در جهتی دیگر می‌رفتند و آنها به‌عنوان ضدانقلاب معرفی شده بودند. بیشترین نمونه‌های از این دست را می‌توان در روزنامه پاسخ دید. در شماره ۶ روزنامه مذکور مطالبی در پاسخ به مقالات روزنامه‌های کار، توفان، رنجبر و امید ایران چاپ شده بود. در مقاله مفصلی که در پاسخ به امید ایران نوشته شده آمده بود: «شما با سوء استفاده مطلق از آزادی، هرچیز که قلم ننگیتان بیاید می‌نویسید.»

از نمونه‌های حمله به منابع تبلیغ ایدئولوژی‌ها می‌توان به روزنامه کار جنوب شماره ۲۲ اشاره کرد که مقاله‌ای با عنوان «تهاجم بورژوازی و آرامش طلبی خائفانه توده‌ایها، بورژوازی لیبرال و خرده بورژوازی» چاپ کرد و یا روزنامه راه کارگر در شماره ۴، مقاله‌ای با عنوان «حزب توده، حزب مبارزه نیست، حزب معامله است» منتشر نمود.

۵- بیانیه‌ها و نطقه نظرهای گروه‌ها

انتشار متن کامل بیانیه‌ها و نطقه نظرهای گروه‌ها درباره مسائل خاص بخشی از محتوای روزنامه‌های دوره مورد بررسی را تشکیل می‌دهد. مانند بیانیه‌ای در مورد ارتش، کارگران، دهقانان و مسأله ملی کردن و... که در شماره ۵ پیام خلق چاپ شده بود. در برخی از موارد نیز نطقه نظرها بصورتی غیر مستقیم مطرح می‌شد مانند مقاله روزنامه پیام آزادگان شماره ۳ که در باره تمدن ایران بود.

پس از پیروزی انقلاب، افشاگری بخشی از پیام‌هایی بود که حتی به صورت اعلامیه‌های دستنویس در تابلوی اعلانات و دیوارهای وزارتخانه و سازمان‌های دولتی و دانشگاه‌ها و... نصب می‌شد. چنین پیام‌هایی در برخی از روزنامه‌های این دوره نیز دیده شده است مانند مقاله‌ای با عنوان «افشاگری این دست‌ها را از دستگاه اداری کشور قطع کنید» در شماره ۳ روزنامه ندای عدالت.

۷- طرح مشکلات اجتماعی پس از انقلاب

از همان اوایل پیروزی انقلاب اسلامی، برخی از روزنامه‌ها مقالاتی را درباره مشکلات اجتماعی جامعه پس از پیروزی انقلاب منتشر کردند. به عنوان مثال روزنامه بیداری در شماره ۹ خود نوشت: «یکی از مهمترین مشکلاتی که جامعه ما را در بر گرفته است، مسأله بیکاری بیش از سه میلیون کارگر می‌باشد»، روزنامه خدنگ در شماره اول خود در مقاله‌ای با عنوان «احتکار و گرانفروشی یک عمل ضدانقلابی است». نوشت: در این روزها بیکاری از یک سو و نگرانی دستجاتی از بیکار شدن از سوی دیگر مردم را در وحشت و اضطراب فرو برده است و همه از آینده خود نگران هستند گروهی سودجو و فرصت طلب از این بازار آشفته سوء استفاده نموده از راه احتکار مایحتاج مردم و عرضه کردن آن به قیمت‌های سرسام آور موجبات ناراحتی و نگرانی‌های فراوان مردم را فراهم کرده‌اند مانند سیگار و... در همین مقوله خبرهایی درباره مقابله دولت در برابر این مشکلات به چشم می‌خورد. به عنوان مثال روزنامه جهش در شماره ۱۱ خود خبری را منتشر کرد حاکی از آنکه دادگاه انقلاب اسلامی محمد [...] پارچه فروشی که پارچه متری ۳۲ تومان را به متری ۱۱۲ تومان فروخته بود به یک ماه زندان و ابراهیم [...] را به جرم فروش یک دستگاه لباسشویی به جای ۳۷۰۰۰ ریال به ۲۰ ضربه شلاق محکوم کرد که حکم صادره ساعت ۶ بعد از ظهر در ملاً عام جلوی فروشگاه نامبرده به مرحله اجرا درآمد، و با مقالات شماره ۲ روزنامه وحدت با عناوین «اکثریت روسپیان شهرنو به مرض مقاربتی مبتلا هستند»، و یا «شهرنو، دست باج خواران را از شهرنو کوتاه کنید» از نمونه‌های مذکور است.

۸- خنثی‌سازی اثرات پیام‌های رادیو تلویزیون

اگرچه قدرت رادیو تلویزیون به دلیل سطوح جامعه و پوشش این دو وسیله ارتباط جمعی با قدرت روزنامه‌های تازه متولد شده دوره مورد بررسی قابل مقایسه نیست ولی مواردی از مقابله روزنامه‌های مذکور با پیام‌های رادیو و تلویزیون نیز بخشی از محتوای روزنامه‌های این دوره را تشکیل می‌دهد موارد زیر از نمونه‌های مذکور است:

روزنامه آرمان شماره اول: سانسور بنام که؟ به اراده که؟ / درباره سانسور در رادیو و

اطلاعات

پیغام امروز



آیندگان

جمهوری اسلامی

گیشان

بامداد

تلویزیون. روزنامه پیکار خلق، شماره ۱۵، در مقاله‌ای با عنوان فاشیسم عریان درب می‌کوبد می‌نویسد: «حمله بیشترمانه‌ای تلویزیون و برخی از عناصر معلوم الحال و محافلی انحصار طلب علیه مطبوعات کشور به راه انداخته‌اند...». روزنامه خلیج فارس شماره ۲ - «سخن یا صادق قطب زاده، مخالف ساز انقلاب، اگر ریشه انقلاب ایران را درک می‌کردید به روزنامه‌ها اتهام نمی‌زدید».^۱

روزنامه سپهر شماره ۷ در مقاله‌ای با عنوان «آقای تلویزیون» نوشت، «آقا شما می‌آید پشت چهار چوبه آموزشی یا فرهنگی و تفریحی این شهر فرنگ قرن بیستم و حرف از مستضعفین می‌زنید، حرف از ملتتان و مردمتان می‌زنید و خود را جزء یا برهنه‌ها قلمداد می‌کنید، شما چه می‌دانید درد مردم این مملکت چیست و چه می‌خواهند، شما آنها را از کجا و با این دوری از چه راه شناخته‌اید؟... شما حتی ساده‌ترین و ارزان‌ترین تفریح و دیدنی همین خانواده‌های مستضعف را از شان گرفته‌اید و حال سنگ چه کسی را بر سینه می‌کوبید؟... یکی نیست بیاید بگوید مگر تلویزیون ارث پدریست؟ مگر نه اینکه با پول مردم ساخته شده و برای آنها هم ساخته شده پس موظفید که هر آنچه مردم می‌خواهند برایشان نشان دهید...».^۲

برخی از روزنامه‌ها چنین مقابله‌ای را با چاپ کاریکاتور انجام می‌دادند روزنامه آهنگر در

۱. پیکار خلق، ۱۳۵۸/۲/۱.

۲. خلیج فارس، ۱۳۵۸/۴/۳۰.

۳. سپهر، ۱۳۵۸/۲/۲۳.

شماره اول، کاریکاتوری از دوربین تلویزیون چاپ کرده بود که قطب زاده روی دوربین نشسته و بادستانش جلوی لنز را پوشانده بود. همین روزنامه در شماره دوم خود کاریکاتور طنزآلود از قطب زاده و برنامه‌های تلویزیون چاپ کرده بود. روزنامه سنگر در شماره ۲- کاریکاتور از آرم سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران چاپ کرد که دو شاخه گل در دست شیرها (که پس از پیروزی انقلاب اضافه شده بود) پلاسیده و برده‌ها را هریک از دو شیر آرم سازمان قفلی زده شده بود.

۹- انتقاد از اقدامات و برنامه‌های دولت موقت

هنوز مدت کوتاهی از پیروزی انقلاب نگذشته بود که انتقاد از مقامات انقلابی با طنز و کاریکاتور آغاز شد. ۶۵ روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی، روزنامه آهنگر در صفحه اول شماره اول خود کاریکاتور رنگی را به چاپ رساند که دو سوی یک صفحه شطرنج دو نفر در حال بازی بودند سمت راست، مردی با کلاه که از پرچم آمریکا ساخته شده بود و سمت چپ مردی که آستین هایش را بالا زده و روی سینه‌اش نوشته شده بود «ملت» قرار داشتند، مهره‌های ملت عبارت بود از کشاورز و دانشجو... و مهره‌های آمریکا عبارت بود از مستشار، شکنجه‌گر، سی‌ای‌ای و سه مهره تصاویری از بنی‌صدر، قطب زاده... این گونه کاریکاتورها در روزنامه مذکور کماکان ادامه داشت.

سایر روزنامه‌ها نیز کم و بیش انتقاداتی از طرح‌ها و برخی اقدامات دولت موقت و مقامات رژیم انقلابی چاپ می‌کردند، روزنامه رهایی در شماره ۴ خود، مسأله ملی کردن صنایع را زیر سؤال برده و نوشت که ضرورت دارد برای ملی کردن صنایع و بانکها که مفهوم دولتی کردن آنهاست باید به اجتماعی کردن این سرمایه‌ها اقدام نمود، زیرا ملی کردن به معنای تغییر شکل حقوقی مالکیت‌هاست در حالی که اجتماعی کردن اساس روابط تولیدی را دگرگون خواهد کرد.

۱۰- خبرها

خبرهای روزنامه‌های دوره مورد بررسی به دو گروه فرعی تقسیم می‌شود، گروه اول خبرهایی است که درباره رویدادهای کشور و جهان و بنا تنوع موضوع چاپ می‌شده که در روزنامه‌های تازه انتشار یافته این دوره کمتر می‌توان مشاهده کرد. روزنامه‌های میزان، بامداد، انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی بیش از بقیه روزنامه‌های تازه متولد شده از این گروه خبر چاپ می‌کردند. اما برخی از روزنامه‌ها فاقد تنوع خبری بوده و در یک شماره خود از یک مضمون کلی، خبرهای متعددی را منتشر می‌کردند که در مواردی حتی در صحت آنها می‌توان تردید کرد، به عنوان

۱. آهنگر، ۱۳۵۸/۱/۲۷.

۲. آهنگر، ۱۳۵۸/۲/۴.

۳. سنگر، ۱۳۵۸/۲.

مثال روزنامه رزم کارگر در شماره ۲۰ خود ده خبر درباره اعتصاب و درگیری های کارگری در مراکز صنعتی و کشاورزی کشور را چاپ کرده و تقریباً به جز خبرهای مذکور فاقد خبر دیگری بود.

۱۱- حمله به کشورهای دیگر

انتقاد و حمله به کشورهای دیگر مانند آمریکا، شوروی و اسرائیل نیز بخشی از محتوای روزنامه های این دوره را تشکیل می دهد. این حملات اغلب به صورت مقالات و کاریکاتوز و حتی طرح های گرافیکی چاپ شده است.

۱۲- آگهی ها

از همان اوایل پیروزی انقلاب اسلامی روزنامه های پرتیراژ با حجمی کمتر چاپ آگهی را دنبال می کردند. اما تعداد آگهی های مربوط به کالاهای مصرفی بسیار ناچیز بود. به عنوان مثال فردای پیروزی انقلاب اسلامی، در روزنامه کیهان علاوه بر آگهی های ترحیم و تسلیت معمول، ادامه آگهی های تهنیت و خوش آمد به رهبر انقلاب و تبریک و تایید نخست وزیری مهندس مهدی بازرگان چاپ شده بود (۴۳ آگهی تبریک خطاب به مهندس بازرگان و ۲۶ آگهی عرض خوش آمد به رهبر انقلاب از سوی موسسات و شرکتها و...) یک آگهی ثبت نام ترم دوم انجمن فرهنگی ایران و فرانسه و یک آگهی حاکی از تشرف به اسلام از سوی یک وابسته به مذهب سیک با ارشاد علمی حضرت آیت الله علامه نوری، آگهی موسسه انگلیسی مادو...

بسیاری از ۲۵۳ روزنامه تازه متولد دوره مورد بررسی بدون هیچگونه آگهی چاپ می شدند اما در برخی از آنها آثار آگهی های تجارتنی را می توان دید، مثلاً در شماره اول مردامروز دو آگهی مربوط به کالاهای چون (تلویزیون رنگی و ماشین تحریر الیوتی) چاپ شده و یا در شماره ۲ روزنامه وحدت آگهی لباس عروس در تالار عروسی، سماور برلیان، گیاه دارویی، موسسه ترمیم مو و... چاپ شده بود. از موارد جالب در روزنامه های تازه انتشار یافته آگهی های شماره اول روزنامه جهش بود. این روزنامه به سبک مجموعه آگهی های قبل از انقلاب در روزنامه های پرتیراژ که کلیشه های یکسانی را با مضمون مشابه ولی امضاهای گوناگون چاپ می کردند ۲۷ آگهی تبریک میلاد حضرت امیرالمؤمنین (ع) را که هر کدام حدود ۸۵ تا ۳۵ سانتی متر مربع سطح زیرچاپ داشتند در صفحات مختلف خود چاپ کرده بود، امضا کنندگان این آگهی ها نیز مغازه داران رشت بودند امضاهایی از قبیل مزون آندره، چلوکبابی یاس، عکاسی ژان، سینمامولن روز، میل رضوی، هتل مازندران، نمایشگاه اتومبیل امیر و...

برخی از روزنامه های تازه منتشر شده به چاپ مصاحبه های اختصاصی با رهبران اجزای و گروه هایی که روزنامه به آنها وابسته بوده می پرداختند و یا با مقامات انقلاب مصاحبه می کردند. از نمونه های جالب توجه می توان به «نظرات محمد منتظری درباره انقلاب» در شماره ۲ روزنامه وحدت اشاره کرد.

۱۴- شمارها

می دانیم که یکی از ابزارهای قوی مردم در طول انقلاب اسلامی برای مقابله با رژیم شاه راهپیمایی و بیان شعارهای هماهنگ مشابه دستجات سینه زنی یا زنجیرزنی و نوحه خوانی بود با این تفاوت که قبل از انقلاب در ایام ماه محرم که چنین مراسمی برگزار می شد زنان صرفاً تماشاچی دستجات بودند ولی حالا در راهپیمایی ها نیز این اشعار را به صورتی هماهنگ فریاد می زدند. بخشی از این شعارها نیز محتوای دیوار نوشته ها را تشکیل می داد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی بسیاری از روزنامه های تازه انتشار یافته نیز شعارهایی را اغلب، پایین صفحه اول و یا سایر صفحات و در برخی از موارد نیز بالای صفحات با حروف درشت و به صورتی سراسری چاپ می کردند. شعارهایی که در میان آنها می توان ارزش ها و ارزش گذاری های ناشران روزنامه را نیز دید.

۱- آذرخش، شماره ۶: هرچه مستحکم تر باد پیوند دانش آموزان بازحمتکشان.

۲- آرمان، در هم شکستن همه پا یگاه های امپریالیسم، شرط ضروری پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک ایران است.

۳- اتحاد، پیش بسوی تدارک هرچه با شکوه تر تظاهرات اول ماه مه (روز جهانی کارگر).

۴- اراده آسیا، جمهوری اسلامی مورد تأیید عموم است.

۱۵- سایر

لازم به توضیح است که در میان ۲۵۳ روزنامه مورد بررسی موارد نادری بودند که محتوای آنها فاقد هر نوع نشانه ای از وقوع انقلاب اسلامی بود و در واقع اگر تاریخ روزنامه را دو نظر بگیریم هیچ نشانه ای برای اینکه خواننده متوجه شود که این روزنامه مربوط به دوره مورد بررسی است در آن نمی توان دید. نمونه بارز آن شماره اول روزنامه «طب و دارو» است که چهارم بهمن ۱۳۵۷ منتشر شد.

از موارد نادر دیگر می توان به روزنامه ای اشاره کرد که مدیر روزنامه از یک شماره کامل روزنامه خود برای حل یک مسأله شخصی استفاده کرد. نمونه مذکور مربوط به روزنامه جهش شماره ۲۳ است که صفحه اول را با تیترو درشت و سراسری «آقا قربان جدت بروم» همراه با عکس از امام (ره) به شکایت از استاندار وقت گیلان به محضر امام اختصاص داده بود.

بحث درباره آزادی (مانند مقاله گفتاری در باب آزادی در شماره ۲ روزنامه میراث اسلامی، و یا آزادی و حکومت ملی در شماره ۲ روزنامه دانش آموز مبارز)، نگاهی به نهضت‌ها و انقلاب‌های معاصر (مانند مقاله مبارزه طبقاتی در مصر در شماره اول روزنامه ندای آزادی و یا مقاله فلسطین سرزمین نفرین شده در شماره دوم روزنامه وحدت، متن مصاحبه با محمدالبحری مبارز مراکشی، در شماره ۵ روزنامه پیام خلق)، مقالاتی درباره رهبر انقلاب (مانند خلاصه‌ای از زندگی امام خمینی، در شماره ۲۰ روزنامه آوای مازندران و یا فرازهایی از پیام رهبر در شماره اول روزنامه راهنمای روز)، حمله به روزنامه‌های دیگر مانند کاریکاتور شماره ۴ روزنامه دخو که دستی را نشان می‌دهد که نخ‌های دو عروسک خیمه شب بازی را در دست دارد و یکی از عروسکها «یاوندگان (به مفهوم آیندگان) و دیگری «آفتگر»، (به معنی آهنگر است). یادنامه شهدای دوره انقلاب و بازگویی جزئیات برخی رویدادهای انقلاب (مانند کشتار ۱۷ شهریور) از سایر مطالبی بود که می‌توان به آن اشاره کرد.

کلک منتشر کرد:

یادگارنامه

استاد دکتر مهرداد بهار

گفتگو با دکتر مهرداد بهار با همراهی: داریوش شایگان، علی محمد حق‌شناس، کتایون مزداپور، مهین‌دخت صدقیان، خجسته کیا، فرهنگ رجایی، علی دهباشی، رامین جهاننگلو و فضل... پاکزاد. جامع علوم انسانی

همراه با آثاری از: ژاله آموزگار - ایرج افشار - سیدعطا... مهاجرانی - جلیل اخوان زرنجانی - عزت... فولادوند - چنگیز پهلوان - محمدعلی همایون کاتوزیان - آذر نفیسی - بهاء‌الدین خرمشاهی - صفدر تقی‌زاده - کریم امامی - هاشم رجب‌زاده - فریده رازی - سیمین بهبهانی - فریدون مشیری - شرف‌الدین خراسانی - م.ع. سپانلو - احمد رضا احمدی - حمید مصدق - کسری حاج‌سیدجوادی - هوشنگ رهنما - فرشته ساری - پوران فرخزاد - مهین خدیوی - عمران صلاحی - سهیلا صارمی - ابوالقاسم اسماعیل‌پور - جلیل دوست‌خواه - محمدجعفر یاحقی - حسن عابدینی - سیما کویان - فخرالدین عظیمی - کیکاووس جهانداری - رضا یکرنگیان و مریم زندی.